

آزمون حضوری  
شماره دو

رشته انسانی



تجربی | ریاضی | انسانی

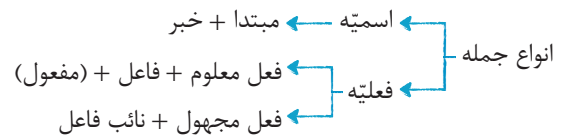
ویژه کنکور  
۱۴۰۳

## مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

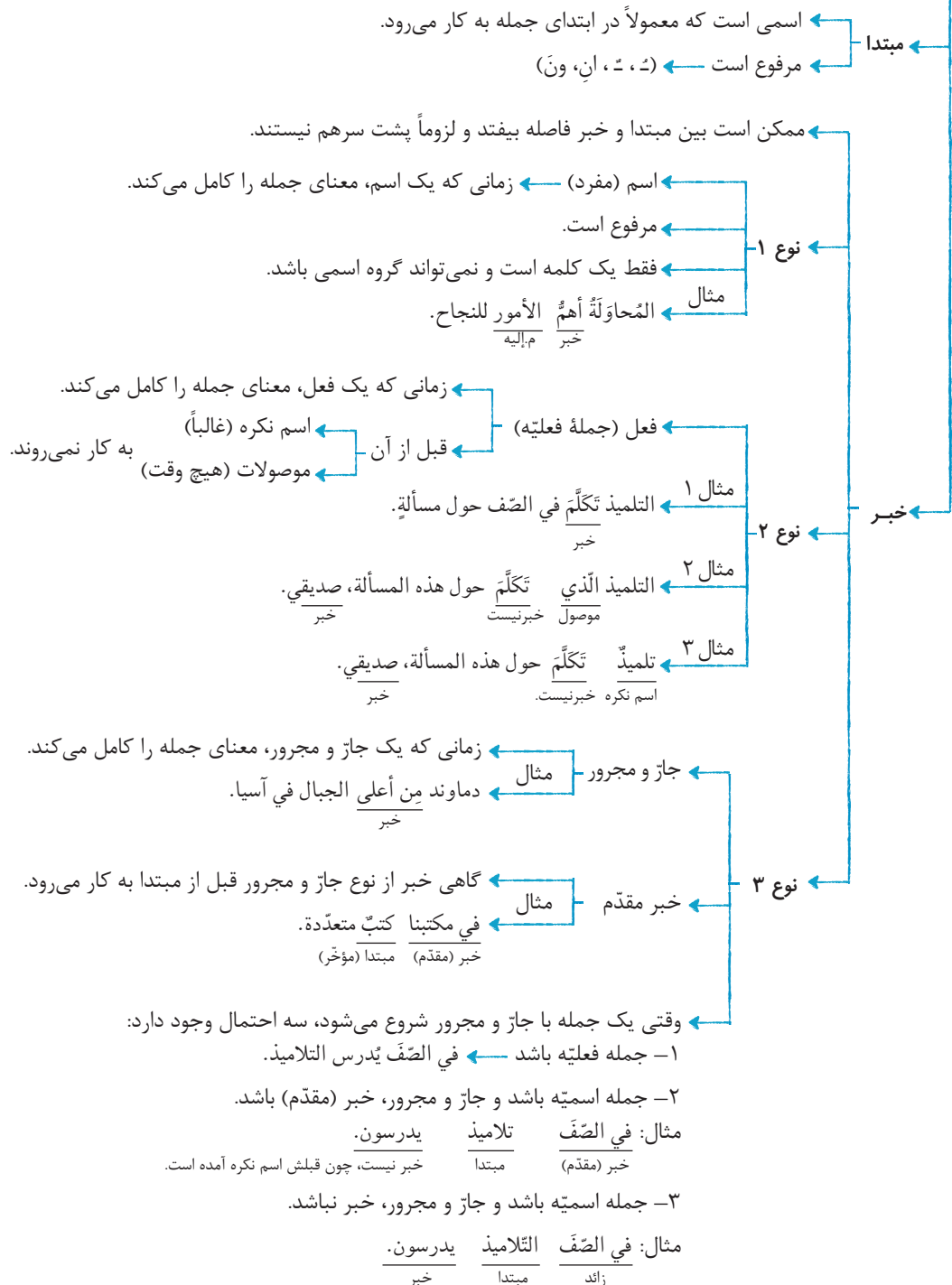
نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
زبان عربی	زوج درس دهم: عربی، زبان قرآن (۱) درس ۵ تا ۷ صفحه‌های ۴۷ تا ۸۲ زوج درس یازدهم: عربی، زبان قرآن (۲) درس ۴ تا ۶ صفحه‌های ۴۷ تا ۹۰	۲	۱۲	آریا ذوقی	مریم آقاییاری



## درس ۵ دهم



## - جمله اسمیه -



- اسم بعد از اسم اشاره
- «ال» نداشته باشد ← خبر است. مثال: هذا تلميذٌ مجيدٌ. مبتدا خبر صفت
  - «ال» داشته باشد ← خبر نیست، بلکه وابسته اسم اشاره است. مثال: هذا التلميذ وابسته اسم اشاره مجيدٌ خبر

## جملة فعلية -

- هر فعل به تنهایی نشان دهنده یک جمله فعلیه است.
- روش تشخیص
  - فاعل ← چه کسی + فعل؟ مثال: يغفر الله الذنوب. فاعل
  - مفعول ← چه چیزی + فعل؟
- إعراب: مرفوع است.
- ویژگی ها
  - از نظر جنس با فعل مطابقت می کند.
  - هیچ وقت قبل از فعل نمی آید.
- انواع
  - اسم ظاهر
    - وقتی یک اسم بعد از فعل، فاعل باشد.
    - فقط در للغائب و للغائبة امکان پذیر است. مثال: تدرس الطالبات في الصف. فاعل
  - ضمیر بارز
    - شناسه انتهای فعل ها (به جز «ث») مثال: الطالبات يدرسن في الصف. فاعل
  - ضمیر مستتر
    - در فعل های بدون شناسه به شرطی که اسم ظاهری فاعلش نباشد. مثال: الطالبات تدرسن في الصف. فاعل: هي مستتر
  - نکات
    - فقط یک کلمه است و نمی تواند گروه اسمی باشد. مثال: تدرس كل الطالبات في الصف. فاعل م.إليه
    - اگر بعد از فعل، فاعل به کار رفته باشد، باید فعل را به شکل مفرد بیاوریم. مثال: يدرسون التلاميذ ❌  
يدرُس التلاميذ ✓
- مفعول
  - روش تشخیص
    - همان مفعول یا متمم فارسی (بدون حضور حرف جرّ)
    - إعراب: منصوب است (ت، ي، ين، يَن)
  - نکات
    - فعل + ضمير متصل ← مفعول شاهدكم مفعول
    - فعل از نظر مفعول داشتن
      - لازم ← مفعول ندارد.
      - متعدی ← مفعول دارد.



نقش ضمیر متصل

- اسم + ضمیر ← مضاف‌إلیه
- فعل + ضمیر ← مفعول
- حرف جر + ضمیر ← مجرور به حرف جر

نقش ضمیر «نا»

- فعل غیر ماضی + نا ← حتماً مفعول
- فعل ماضی + نا
  - اگر شناسه فعل باشد ← فاعل (شاهدنا: دیدیم)
  - اگر شناسه فعل نباشد ← مفعول (شاهدنا: دید ما را)
- اسم + نا ← مضاف‌إلیه
- حرف جر + نا ← مجرور به حرف جر

## درس نهم

علامت آخرشان همیشه ثابت است و در جمله‌های مختلف تغییر نمی‌کند.

مبتنی

- کلمات مبتنی
  - اسم
    - ضمیرها
    - اسم‌های اشاره (به جز هذان، هذین، هاتان و هاتین)
    - اسم‌های استفهام (پرسشی)
    - بیشتر موصول‌ها (مَن - ما - الَّذِی ...)
  - فعل
    - همه فعل‌های ماضی
    - همه امرهای مخاطب
    - جمع‌های مؤنث مضارع (یذهبن، تذهبن)

مُعَرَّب ← علامت آخرشان در جمله‌های مختلف تغییر می‌کند.

- ال
- تنوین
- ة
- نشانه‌هایی که با دیدنشان مطمئن می‌شویم که کلمه معرب است
- نشانه‌های مثنی

إعراب کلمه

- مرفوع
  - مرفوع بالضمة ← ءُ
  - مرفوع بالالف ← اسم مثنی با «ان»
  - مرفوع بالواو ← جمع مذکر سالم با «ون»
- منصوب
  - منصوب بالفتحة ← ة
  - منصوب بالياء ← اسم‌های مثنی و جمع مذکر سالم با «ین»
- مجرور
  - مجرور بالكسرة ← ِ
  - مجرور بالياء ← اسم‌های مثنی و جمع مذکر سالم با «ین»

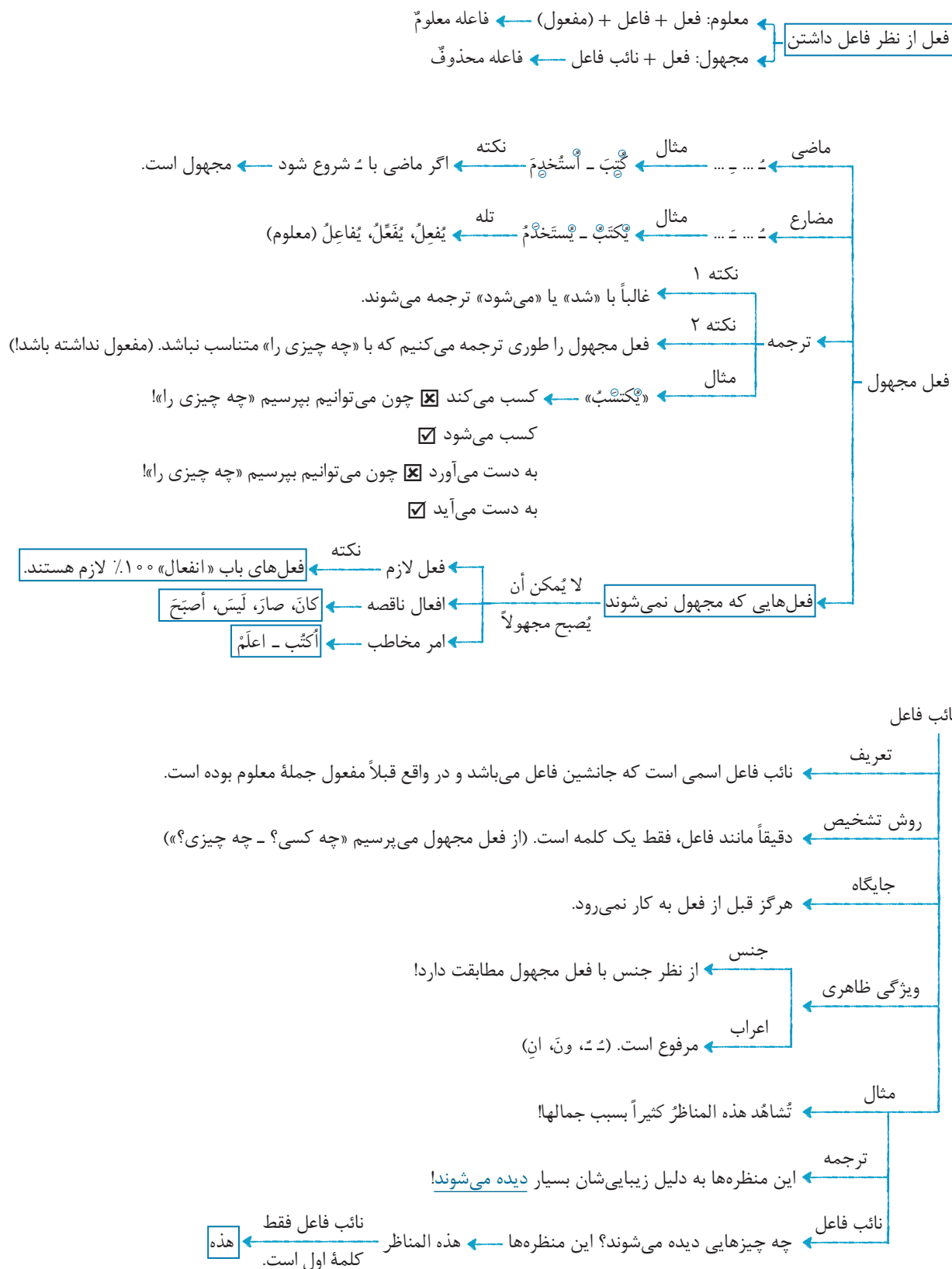
## اعراب نقش‌های معروف -

- فاعل ← مرفوع
- مفعول ← منصوب
- مبتدا ← مرفوع
- خبر ← مرفوع
- مضاف‌إلیه ← مجرور
- صفت ← تابع موصوف است.



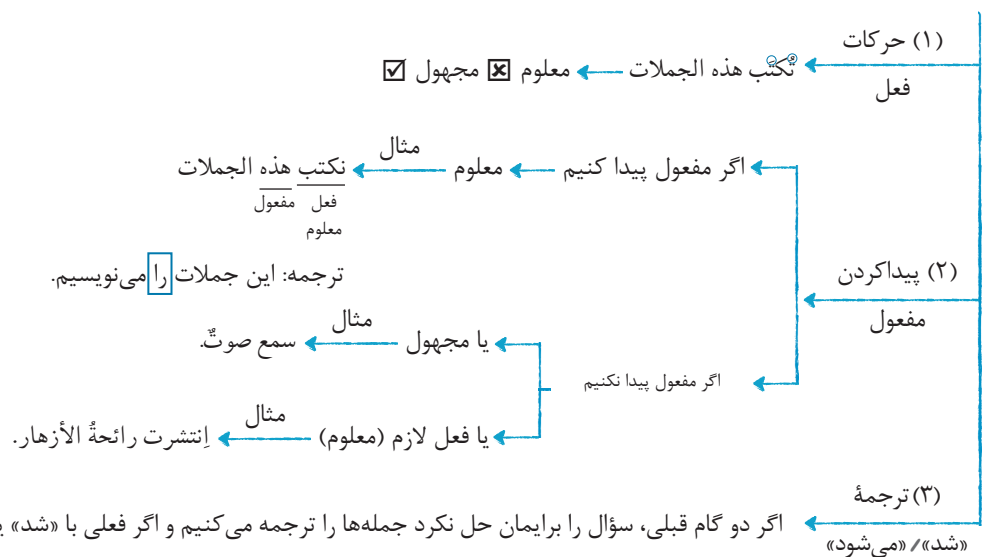


## درس ۷ دهم: معلوم و مجهول





تشخیص فعل مجهول در جمله ← به ترتیب، ۳ مرحله زیر را اجرا می‌کنیم:



## نکته

فعل + ضمیر ← قطعاً مجهول نیست ← چرا؟! چون مفعول دارد.  
مثال: يشاهده ← فعل معلوم

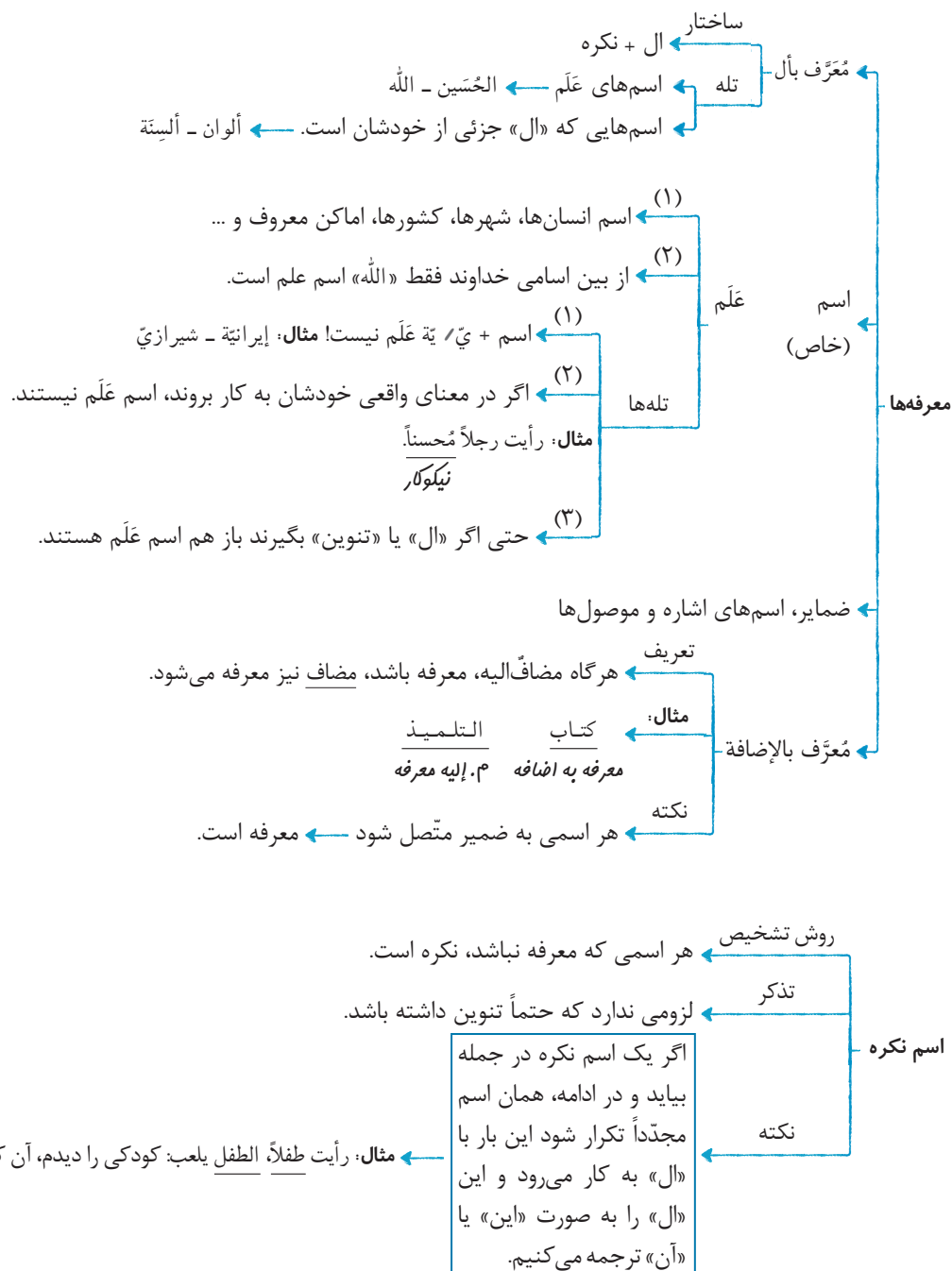
## مجهول کردن جمله

- اول از همه باید فاعل و متعلقاتش را حذف کنیم!
- سپس مفعول را به نائب فاعل تبدیل می‌کنیم. (مفعول فودش منصوبه، ما باید مرفوعش کنیم تا بشه نائب فاعل)
- تذکر: اگر مفعول نداشته باشیم، اصلاً نمی‌توانیم مجهول کنیم!
- فعل را مجهول می‌کنیم و مذکر یا مؤنث بودنش را با نائب فاعل هماهنگ می‌کنیم!
- مثال: جمله معلوم ← تُسَهِّلُ الْأَنْبِيَاءُ نَقْلَ النَّفْطِ! → مجهول ← يُسَهِّلُ نَقْلَ النَّفْطِ!

صورت سؤالات مهم و توضیحات فعل‌های معلوم و مجهول

- عِلْمُ فاعله / فاعله معروف / نعرف فاعله / فاعله ليس محذوفاً / ذکر فاعله / فعل مع فاعله ... / يُنسَبُ الفعل إلى الفاعل ← همگی یعنی فعل معلوم
- الفاعل محذوفاً / حذف فيه فاعل / لا نعرف فاعله / لم يُنسَبِ الفعل إلى الفاعل / فعل ليس له فاعل / له نائب فاعل / يمكن أن يُقرأ مجهولاً / المبني للمجهول ← همگی یعنی فعل مجهول.
- فعل يمكن أن يُبنى للمجهول ← چی می‌خواد؟ ☒ متعدی ☐ مجهول
- ما يمكن تحويله إلى المجهول ← چی می‌خواد؟ ☒ متعدی ☐ مجهول
- فعل يمكن أن يصبح مجهولاً ← چی می‌خواد؟ ☒ متعدی ☐ مجهول
- فعل يمكن أن يكون مجهولاً ← چی می‌خواد؟ ☐ متعدی ☒ مجهول

## درس ۴ یازدهم





## نکات ترجمه -

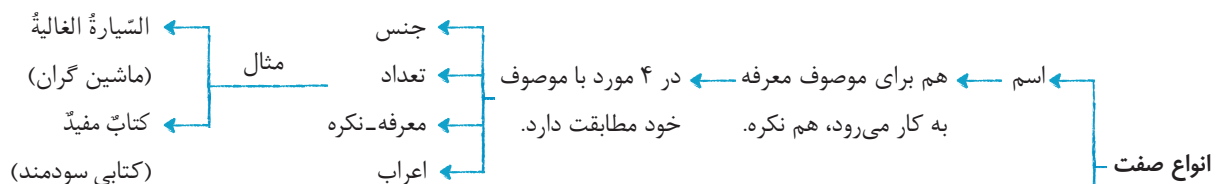
- ← معرفه‌ها بدون نشانه خاصی ترجمه می‌شوند. مثال: الأشجار: درختان
- ← با «ی» یا «یک» ترجمه می‌شوند. مثال: شجرة جميلة: درخت زیبایی ☒  
درختی زیبا ☒  
یک درخت زیبا ☒
- ← نکره‌ها تله هر اسمی که در فارسی «ی» داشته باشد، لزوماً نکره نیست! مثال: سلامتی - میز چوبی - ایرانی
- ← خبر بدون وابسته به صورت معرفه ترجمه می‌شود. مثال: هذه الشجرة جميلة: این درخت، زیبا است.  
فیر بدون وابسته
- ← نکته معرفه‌ای که بعدش موصول‌های خاص (الَّذِي، الَّتِي، الَّذِينَ ...) بیاید می‌تواند شبیه به اسم‌های نکره ترجمه شود. مثال: هذا الطالب الَّذِي ...: این دانش‌آموزی که ... ☒  
این دانش‌آموز که ... ☒

## حروف ناصبه -

- ← نکته فقط زمانی حرف ناصبه به شمار می‌روند که بر سر فعل مضارع بیایند.
- ← نکته أَنْ: که تَذَكَّرْ با «إِنْ: اگر» اشتباه نشود.
- ← نکته لَنْ: در ترجمه مستقبل منفی ایجاد می‌کند. (لَنْ يَذْهَبَ: نخواهد رفت)  
گویی: تا، تا این که
- ← نکته لَكِي + لَا لَكِيلا حَتَّى: تا، تا این که
- ← نکته لَ: تا، تا این که برای بیان علت به کار می‌رود. (لِلتَّعْلِيل)  
ترجمه تمام حروف ناصبه (به جز لَنْ) + مضارع → مضارع التزامی مثال: ليذهب: تا برود
- ← (۱) در مضارع‌هایی که به «ن» ختم می‌شوند → نون حذف می‌شود (به جز جمع‌های مؤنث)
- ← (۲) در مضارع‌هایی که به «ن» ختم نمی‌شوند → آخر فعل فتحه می‌گیرد.
- ← تأثیر ظاهری مثال: (۱) أَنْ + يَذْهَبُ → أَنْ يَذْهَبَ مثال: (۲) لَنْ + يَذْهَبُونَ → لَنْ يَذْهَبُوا مثال: (۳) لَكِي + تَذْهَبْنَ → لَكِي تَذْهَبْنَ
- ← نکته حرف ناصبه + لَا لَای نفی مثال: لَكِيلا تحزنوا → لَای نهی ☒ لَای نفی ☒



## درس ۵ یازدهم



جمله (جمله وصفیه) ← فقط برای موصوف نکره به کار می‌رود. ← تعریف  
جمله‌ای که بعد از یک اسم نکره به کار می‌رود و آن را توضیح می‌دهد.

تعریف: جمله تَصِفُ نكرة / جمله تَوْضِحُ ما قبلها.  
ساختار: اسم نکره + که (فقط در ترجمه) + جمله

تذکر

- جمله وصفیه یک نوع صفت است و هر جا دنبال صفت می‌گردیم باید آن را هم مدنظر داشته باشیم!
- ممکن است با فاصله از اسم نکره به کار برود. ← مثال  
له غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ الْقَفْزِ. ← اسم نکره  
جمله وصفیه

جمله وصفیه

جملاتی که بعد از حروف ربط به کار می‌روند.  
حروف ربط ← و - ف - ثَمَّ - أَوْ - لَكِنْ - بَلْ - حَتَّى - أَنْ - لَكِي - ...

مثال  
عَصَفَتْ رِيَّاحٌ فَخَرَّبَتْ بَيْوتًا.  
جمله وصفیه نیست.

جملاتی که پس از کلماتی آمده‌اند که در ترجمه آن‌ها «که» وجود دارد.  
مثلاً: «الَّذِي: کسی که» / «مَنْ: کسی که» / «عندما: وقتی که» / «كما: همان‌طور که»

مثال  
رَأَيْتُ الطِّفْلَ الَّذِي يَلْعَبُ.  
جمله وصفیه نیست.

تله‌ها

مثال  
جواب شرط ← مِنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا يَنْجَحْ.

جواب شرط

هر جمله‌ای که بعد از یک اسم نکره آمده باشد، اما در ترجمه آن نتوانیم حرف «که» را بیاوریم.

مثال  
كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمُ.  
جمله وصفیه نیست.

(ترجمه: هر چیزی با انفاق کم می‌شود جز علم.)

جمله‌ای که بعد از یک اسم علم تنوین دار به کار می‌رود. (دقت کنید که اسم علم حتی اگر تنوین بگیرد، معرفه است.)

مثال  
رَأَيْتُ سَعِيدًا يَتَكَلَّمُ مَعَ صَدِيقِهِ.  
جمله وصفیه نیست.



ترجمه جمله وصفیه را باید به عنوان اولین فعل بعد از حرف «که» بیاوریم.

مثال: عصفت رياحٌ شديدةٌ خَرَبَتِ البيوت:

جمله وصفیه

بادهای شدیدی که وزید خانه‌ها را تخریب کرد. ☒

بادهای شدیدی وزید که خانه‌ها را تخریب کرد. ☐

ماضي + مضارع ← ماضي استمراری

مثال: رأيتُ طفلاً يلعبُ ← کودکی را دیدم که بازی می‌کرد.

ماضي مضارع

ماضي + ماضي ← ماضي بعيد (یا ماضي ساده)

مثال: رأيتُ تلميذاً كَتَبَ واجباته ← دانش‌آموزی را دیدم که تکالیفش را نوشته بود.

ماضي ماضي بعيد

مضارع + مضارع ← مضارع التزامی (یا مضارع اخباری)

مثال: أَفْتَشُّ عن برنامجٍ يُساعدني في دروسي ← دنبال برنامه‌ای می‌گردم که مرا در درس‌هایم یاری کند.

مضارع مضارع التزامی

جملاتی که در آن‌ها «اسم‌ال‌دار + الّذي/الّتي/الّذين...» به کار می‌رود. از لحاظ معنایی دقیقاً مشابه ساختار جمله وصفیه هستند.

مثال: شاهدتُ الطفلَ الَّذي يبكي = شاهدتُ طفلاً يبكي (کودکی را دیدم که گریه می‌کرد).

دقت کنید که صفت از نوع اسم را مشابه جمله وصفیه با «که» ترجمه نکنید.

مثال: هذه نِعَمٌ مِّنْهُمُورَةٌ ← این‌ها نعمت‌هایی هستند که ریزانند. ☒

این‌ها نعمت‌هایی ریزان هستند. ☐



## درس ۶ یازدهم







## تشخيص انواع لام

ل + اسم ← حرف جرّ ← مثال ← لِفَتْح ← برای باز کردن ☒ برای این که باز کند ☒  
 ل + ضمیر ← حرف جرّ ← علت ← ضمائر همگی اسم هستند مثال ← له: برای او  
 ل + مضارعی که به ـ ختم شده است ← لام ناصبه ← مثال ← لِيْذهَبْ: باید برود ☒ تا برود ☒  
 ل + مضارعی که به ـ ختم شده است ← لام امر ← مثال ← لِيْذهَبْ: باید برود ☒ تا بداند ☒  
 ل + مضارعی که به ـ ختم شده است ← لام امر ← مثال ← لِيْذهَبِ الطَّفْلُ: کودک باید برود.  
 ل + مضارعی که نونش حذف شده است ← مشخص نیست و باید ترجمه شود!  
مثال ← لِيَسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ ← باید به فقیران کمک کنند ← لام امر  
مثال ← حَاوِلُوا كَثِيرًا لِّيَسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ ← بسیار تلاش کردند تا به فقیران کمک کنند ← لام ناصبه  
 ل + تک فعل جمله ← لام امر ← مثال ← لَنَجْلِسْ فِي الصَّفِّ ← باید بنشینیم در کلاس.  
 تک فعل جمله  
 ل + مضارع / فَعْلٌ ← لام امر ← مثال ← فَلْيَعْبُدُوا ← باید عبادت کنند.

## حرکت گذاری حرف لام

لَ + ضمائر متصل (به جز «ي») ← لَ ← مثال  
 لَكُمْ لَكُمْ ☒ ☐

لَ + ضمير «ي» ← لَ ← مثال  
 لِي لِي ☒ ☐

وَاوْ + لَ + مضارع ← لُ ← مثال  
 فَلْيَذْهَبْ فَلْيَذْهَبْ ☒ ☐

لَ ← در سایر موارد ← مثال  
 لِلطَّلَابِ لِلطَّلَابِ ☒ ☐

## انواع «لا» + مضارع

لا + مضارع غير مجزوم ← لای نفی ← ترجمه ← مضارع منفی  
 لا + مضارع مجزوم ← لای نهی ← ترجمه ← نهی مخاطب ← امر منفی  
 لا + مضارع مجزوم ← لای نهی ← ترجمه ← نهی غیر مخاطب ← نباید + مضارع التزامی

جمع‌بندی مواردی که مضارع التزامی ایجاد می‌کنند.

مثال  
حروف ناصبه (به جز «لَنْ») + مضارع ← اُن یکتب: که بنویسد.

مثال  
لِ + مضارع (چه لام امر باشد، چه لام ناصبه) ← لیکتب: باید بنویسد.

فعل شرط (فعلی که بلافاصله پس از ادوات شرط اِنْ/مَنْ/إِذَا می آید).

مثال  
اِنْ تَحَاوَلْ تَنْجَحْ ← اگر تلاش کنی موفق می شوی.  
فعل شرط

مثال  
مضارع + مضارع ← اَحَبُّ مِنْ یَفْرَحُ الناس: دوست دارم کسی را که مردم را شاد کند.  
مضارع مضارع مضارع  
مضارع التزامی

مثال  
لای نهی + مضارع غایب یا متکلم (نهی غیر مخاطب) ← لا تُکَلِّمُ: نباید سخن بگویم.